

دوتا ۳۶۹	عهد جدید / ۳۴
	مکاشفه- مقدمه- بخش ۱
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز به مطالعه کتاب مکاشفه، بخش اول خواهیم پرداخت. ابتدا مقدمه ای خواهیم داشت که در آن، روش تفسیر کتاب مکاشفه را خواهیم آموخت.

نکته ۱- نگرش تاریخی و نگرش مبتنی بر تکرار

کتاب مکاشفه، مکاشفه‌ای است مستقیم از خدا که دیدگاه خدا را در خصوص تاریخ بشر در این جهان مکشوف می‌سازد. بنابراین مسیحیان نباید در خصوص محتوای کتاب مکاشفه دست به خیال‌پردازی و خیال‌بافی بزنند. باید نهایت تلاش خود را بکنند تا مقصودی را که خدا در نظر داشته، درک کنند. این کتاب به "زبان مکاشفه‌ای" نوشته شده. فصل ۱: ۱ از کلمه "مکاشفه" استفاده می‌کند که به معنی آشکارسازی امری است که به هیچ وسیله دیگری قابل دانستن نیست. خدا برای آشکار ساختن افکار و اهداف خود، از رویاها و نشانه‌ها و نمادها و اعداد استفاده می‌کند. برای درک کتاب مکاشفه، دو نگرش اساسی وجود دارد: یکی نگرش ترتیب تاریخی است و دیگری نگرش مبتنی بر تکرار.

اول- نگرش ترتیب تاریخی برای تفسیر کتاب

در این نگرش تأکید می‌شود که رویاهای کتاب مکاشفه برای آن است که تماماً حفظ شود و اینکه کتاب را باید همچون برنامه زمان‌بندی‌شده تاریخ آینده خواند. طبق این نگرش، این کتاب شکل‌گیری خطی تاریخ، از گذشته تا زمان حال و تا آینده می‌باشد. پیروان این نگرش، تمام رویدادهای آینده تاریخ را گویی از طریق تلسکوپ می‌نگرند. ایشان فصل ۱: ۱۹ را که می‌فرماید: "آنچه را دیدی و آنچه را که نشان خواهم داد، همه را بنویس"، این گونه تفسیر می‌کنند: فصل ۱ مربوط است به آنچه که یوحنا "در گذشته" دیده است؛ فصل‌های ۲ و ۳ به امور "زمان حال" می‌پردازد؛ و فصل‌های ۴ تا ۲۲ به امور آینده می‌پردازد، نه آینده "یوحنا" بلکه آینده "ما". در ضمن، در این نگرش، نمادها و اعداد به صورت "تحت‌اللفظی" یا "لغوی" تفسیر می‌شود. و بالاخره، پیروان این نگرش مطالبی در مورد اسرائیل و یهودیان را به بخشهای مختلف کتاب مکاشفه "اضافه می‌کنند". بر این نگرش، برخی ایرادات جدی وارد است:

یک- روزهای آخر را خود مسیح تعیین می‌کند.

روزهای آخر فقط محدود به رویدادهای چند سال، آن هم به ترتیب تاریخی، درست پیش از بازگشت مسیح نیست، بلکه متشکل از کل دوره‌ای است که از ظهور "مسیح" آغاز می‌شود و تا به بازگشت او ادامه می‌یابد، و آنها را "مسیح" خودش در سراسر این دوره تعیین می‌کند. پایان یا "روزهای آخر" (معادشناسی) مربوط به کل تاریخ جهان، "با شخص مسیح آغاز می‌شود و با او پایان می‌پذیرد" (۱: ۱۷؛ ۲۲: ۱۳).

دو- رویدادهای تکرارشونده حاکی از این است که نگرش ترتیب تاریخی ایراد دارد.

کتاب برخی رویدادها را "تکرار می‌کند". برای مثال، در فصل ۱۶: ۱۲-۲۱ گفته می‌شود که ملت‌های بدکار نابود می‌شوند، اما این ملت‌ها دوباره در فصل ۱۹: ۱۷-۲۱ ظاهر و نابود می‌شوند، و باز در فصل ۲۰: ۷-۱۰ مجدداً ظاهر و نابود می‌شوند. کتاب مکاشفه سه نبرد را به ترتیب تاریخی توصیف نمی‌کند، بلکه فقط یک نبرد واحد را (۱۴: ۱۴؛ ۱۹: ۱۹؛ ۲۰: ۸) که همان جنگ حارمجدون باشد. لذا بخشهای تکرار شده با یکدیگر "موازی" هستند.

سه- فصل ۴ تا ۲۲ حاوی رویدادهای گذشته و حال و آینده می‌باشد.

مسیح به یوحنا می‌فرماید تا رویاهای مربوط به شرایط عصر خود و نیز شرایط و رویدادهای تاریخ جهان را که "پس از این" اتفاق خواهد افتاد ثبت کند، یعنی اتفاقات مربوط به تمام دوره‌های آینده را، از زمان یوحنا تا بازگشت مسیح. مکاشفه منحصرأ رویدادهای گذشته را که در قرن اول، بین سالهای ۶۰ تا ۹۰ میلادی رخ داد تفسیر نمی‌کند، طوری که دیگر برای ما قابل اطلاق نباشد. همچنین منحصرأ به تفسیر رویدادهای آینده نمی‌پردازد، طوری که "هنوز قابل اطلاق به امروز ما نباشد". فصل ۱: ۱ و ۲۲: ۶ می‌فرمایند که رویاهای کتاب مکاشفه باید به‌زودی تحقق یابند. و فصل ۱: ۳ می‌فرماید: "خوشایحال کسی که این پیشگویی‌ها را برای دیگران بخواند؛ و خوشایحال آنان که به آن گوش فرا دهند، زیرا زمان وقوع این رویدادها چندان دور نیست." در نتیجه این نگرش که می‌گوید مکاشفه ۴ تا ۲۲ "فقط آن رویدادهای آینده را آشکار می‌سازد که درست پیش از بازگشت مسیح روی خواهد داد"، با محتوای خود کتاب در تناقض است.

چهار- رویاهای کتاب به ترتیب تاریخی قرار داده نشده‌اند.

هفت بخش موازی کتاب خودش نشان می‌دهد که اولین رویای مربوط به هر بخش، از نظر ترتیب تاریخی، پیش از آخرین رویای مربوط به بخش قبلی قرار دارد. برای مثال، مکاشفه ۱۲: ۱-۶ از نظر ترتیب تاریخی، پیش از مکاشفه ۱۱: ۷-۱۹ قرار دارد.

پنج- زمان افعالی که در کتاب به‌کار رفته است.

یوحنا از نظر دستور زبان، نوعی زمان آینده را در یونانی به‌کار می‌برد که رویدادهای آینده را به‌گونه‌ای توصیف می‌کند که گویی قبلاً در گذشته اتفاق افتاده‌اند، زیرا او مطمئن بود که آنها اتفاق خواهند افتاد. همچنین نوعی از زمان آینده را به‌کار می‌برد که وقایع آینده را طوری بیان می‌کند که گویی در همین زمان وجود دارند، و به این ترتیب، قطعیت مطلق پیروزی مسیح را در زمان حال و نیز در زمان آینده بیان می‌کند. روشن است که کتاب مکاشفه قصد ندارد ترتیب تاریخی خطی را در خصوص

رویدادهای آینده ارائه دهد، بلکه رویاهایی تکرارشونده از اصولی را که بر تاریخ جهان حاکم است، از زمان ظهور مسیح تا بازگشت او.

دوم- نگرش مبتنی بر تکرار در تفسیر کتاب

در این نگرش، تأکید بر این است که مطالب کتاب به روشی "موازی" و نیز به روشی "پیشرونده" مرتب شده‌اند. کتاب حاوی تکرارهایی با مقداری تفاوت است که به تمام تاریخ جهان از نقطه‌نظرهای متفاوت نگاه می‌کند. گویی خواننده تمام رویدادهای تاریخ جهان، از ظهور مسیح تا بازگشت او را در یک مجموعه تصاویر نگاه می‌کند، یعنی مرتب به روزهای آخر اشاره می‌شود، اما هر بار از نقطه‌نظری متفاوت. کتاب دانیال در عهدعتیق و کتاب مکاشفه در عهدجدید هر دو دارای این مشخصه مکاشفه موازی و پیشرونده تاریخ می‌باشند. ما این نگرش را قویاً توصیه می‌کنیم.

نکته ۲- کتاب شامل تمام دوره‌ای است که میان ظهور مسیح و بازگشت او قرار دارد

مکاشفه ۱: ۵-۷، هم در باره ظهور مسیح برای رهایی ما از گناه به واسطه خون خود سخن می‌گوید، و هم در باره بازگشت او، یعنی آن هنگام که هر چشمی او را خواهد دید. با خواندن تمام کتاب به شکل یکجا و با توجه به تکرارها، متوجه می‌شویم که کتاب به "هفت بخش موازی" تقسیم شده و هر بخش تمام دوره عهدجدید را، از زمان ظهور عیسی مسیح تا بازگشت او توصیف می‌کند. باید توجه داشت که هر هفت بخش کتاب مکاشفه، با ظهور مسیح "آغاز می‌شود"، و حاوی "دوره‌ای اصلی و طولانی" است که به دنبال آن، "دوره کوتاهی" شامل جفای سخت می‌آید، و با روز داوری نهایی "خاتمه می‌یابد".

بخش اول مکاشفه متشکل از فصل‌های ۱ تا ۳ می‌باشد. این دوره با توصیف مسیح "آغاز می‌شود" که از مردگان بر خاست (۱: ۵، ۱۸) و در مقام فرمانروا بر تمام پادشاهان زمین سلطنت می‌کند (۱: ۵) و در میان نخستین کلیساهای تاریخی ایستاده است (۱: ۱۲-۱۳). مشخصه "دوره اصلی و طولانی" هفت نامه مسیح به این کلیساها است. عدد "هفت" نماد کمال است، و هر نامه با این حکم مسیح به تمام کلیساهای جهان خاتمه می‌یابد که به آنچه که روح می‌گوید گوش فرا دهند (۲: ۷ و غیره). بدینسان، هفت کلیسا معرف تمام کلیسای مسیح از ظهور او و در سراسر دوره‌های موجودیتش تا پایان جهان می‌باشد. هر یک از این کلیساها، نمونه‌ای است نه از یک دوره از تاریخ کلیسا، بلکه از شرایطی که دائماً در حیات واقعی کلیساهای جهان تکرار می‌شود. مکاشفه ۳: ۱۰ به "دوره‌ای کوتاه از جفای سخت" اشاره می‌کند. هر نامه با وعده‌ای به آنانی که پیروز می‌شوند "خاتمه می‌یابد"، این وعده که آنها در جلال نهایی در پایان تاریخ جهان شریک خواهند شد.

نتیجه: مکاشفه ۱-۳ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد.

بخش دوم مکاشفه متشکل از فصل‌های ۴ تا ۷ می‌باشد. این دوره با رویای جلوس مسیح بر تخت "آغاز می‌شود" که درست پس از مرگش بر صلیب (۵: ۶، ۹، ۱۲) و درست پس از گرفتن طومار از دست خدا رخ می‌دهد، طوماری که هفت مهر داشت. مشخصه "دوره اصلی و طولانی" باز کردن پنج مهر اول است که معرف پنج اصلی است که در این دوره عمل می‌کند. مهر اول معرف این است که مسیح به جهان بیرون می‌رود تا با انجیل ظفر یابد. مهرهای دوم تا چهارم معرف جفا و ستم و رنجی است که در هر جایی که انجیل موعظه می‌گردد حادث می‌شود. مهر پنجم معرف کلیسای پیروزمند در آسمان می‌باشد که منتظر است تا خدا مصائبش را بر روی زمین خاتمه بخشد و اشاره دارد به یک "دوره خیلی کوتاه" جفا. این دوره با گشودن مهر ششم "خاتمه می‌یابد" که آغازگر روز داوری نهایی و تأثیر آن بر بی‌ایمانان است (۶: ۱۲-۱۷)، و برکات اعطاشده به ایمانداران به دنبال آن توصیف شده است (۷: ۹-۱۷).

نتیجه: مکاشفه ۴-۷ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد.

بخش سوم مکاشفه متشکل از فصل‌های ۸ تا ۱۱ می‌باشد. این دوره با اندازگیری معبد "آغاز می‌شود" که معرف استقرار کلیسا به هنگام ظهور مسیح است (۱۱: ۱). مشخصه "دوره اصلی و طولانی"، حفاظت از کلیسا است در آن حال که بقیه زیر پا لگدمال می‌شوند؛ مشخصه دیگر آن، آن دو شاهد است که معرف کلیسا هستند که انجیل را در جهان اعلام می‌دارند. این دوره اصلی به صورت نمادین ۴۲ ماه یا ۱۲۶۰ روز طول می‌کشد (۱۱: ۲-۳). وقتی آن دو شاهد رسالت خود را در شهادت دادن به پایان رساندند، به دنبال آن، "دوره‌ای بسیار کوتاه" به مدت نمادین سه روز و نیم شامل جفای بسیار شدید فرا می‌رسد (۱۱: ۷-۱۰). این دوره با قیامت مردگان (۱۱: ۱۱-۱۴) و نواخته شدن شیپور هفتم که آغازگر روز داوری نهایی و ملکوت خدا در شکل نهایی‌اش می‌باشد (۱۱: ۱۵-۱۹)، "خاتمه می‌یابد". به این ترتیب، دوره‌ای طولانی شامل اعلام انجیل، دوره‌ای بسیار کوتاه از جفای سخت را به دنبال دارد و بلافاصله بعد از آن، روز داوری نهایی فرا می‌رسد.

نتیجه: مکاشفه ۸-۱۱ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد.

بخش چهارم مکاشفه متشکل از فصل‌های ۱۲ تا ۱۴ می‌باشد. این دوره با ولادت و صعود مسیح به آسمان "آغاز می‌شود" (۱۲: ۵). مشخصه "دوره اصلی و طولانی"، حفاظت از زن که باز نمود کلیسا است در برابر حمله‌های شیطان و دو یار او که همان دو جاندار هستند، می‌باشد. دوره اصلی به طور نمادین شامل ۱۲۶۰ روز یا "یک زمان و زمان‌ها و نصف زمان" یا ۴۲ ماه می‌باشد (۱۲: ۶، ۱۴؛ ۱۳: ۵). پس از آن، برای "دوره‌ای بسیار کوتاه"، به آن دو جاندار قدرت داده می‌شود تا بر کلیسا پیروز شوند و بر تمام دنیای غیرمسیحی اختیار داشته باشند و ظلم اقتصادی شدیدی را اعمال کنند (۱۳: ۷-۱۰، ۱۵-۱۸). این دوره با اعلام روز داوری نهایی (۱۴: ۶-۷) و بازگشت مسیح به منظور درو کردن زمین (۱۴: ۱۴-۱۶) "خاتمه می‌یابد". به این ترتیب، این دوره متشکل از دوره‌ای طولانی از حفاظت از کلیسا است که دوره‌ای از جفای سخت را درست پیش از روز داوری نهایی به دنبال دارد.

نتیجه: مکاشفه ۱۲-۱۴ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد.

بخش پنجم مکاشفه متشکل از فصل‌های ۱۵ و ۱۶ می‌باشد. بخش پنجم مانند بخش چهارم، با «نشانه‌ای عظیم و شگرف در آسمان» (۱۵: ۱؛ ۱۲: ۱) «آغاز می‌شود»، و به این ترتیب، این رویداد به‌هنگام ظهور مسیح رخ می‌دهد. همان نیروی شرّ که در بخش ۵ عمل می‌کند، در بخش ۴ نیز عمل می‌کند، یعنی همان اژدها، آن جاننداری که از دریا بیرون می‌آید، و جاندار یا نبی دروغینی که از زمین بر می‌آید (۱۶: ۱۳ و ۱۲: ۱۲؛ ۱۴: ۱، ۱۱) و به این ترتیب، این دوره از بخش ۵ آشکارا موازی همین دوره در بخش ۴ می‌باشد. هفت جام در بخش ۵ بر همان مناطقی اثر می‌گذارد که آن هفت شیپور در بخش ۳. شیپور و جام اول بر سرزمین اثر می‌گذارد؛ دومی بر دریا، سومی بر چشمه‌های آب، چهارمی بر خورشید، پنجمی بر هاویه یا تخت سلطنت جاندار، ششمی بر رود فرات، و هفتمی آغازگر روز داوری نهایی است (۱۶: ۱-۱۲ و ۸: ۷ تا ۱۱: ۹)؛ به این ترتیب، این دوره از بخش ۵، موازی همین دوره در بخش ۳ می‌باشد. مشخصه «دوره طولانی و اصلی» فروریزی پنج جام غضب الهی است، اما تأکید به‌طور خاص بر فروریزی غضب خدا درست پیش از بازگشت مسیح است. مشخصه «دوره بسیار کوتاه» جفا، فروریزی جام ششم است که آغازگر نبرد عظیم آخر است که حارمجدون نامیده شده (۱۶: ۱۲-۱۶). مشخصه «خاتمه»، فروریزی جام هفتم است که آغازگر نابودی زمین قدیمی است (۱۶: ۱۷-۲۱).

نتیجه: مکاشفه ۱۶-۱۵ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد.

بخش ششم مکاشفه متشکل از فصل‌های ۱۷ تا ۱۹ می‌باشد. این دوره با تصویر نمادین زنی «آغاز می‌شود» که بر جاننداری نشسته که نامش «بابل» است، آن فاحشه بزرگ. این زن در همان دوره بخش ۴ عمل می‌کند و فقط در دوره سلطنت جاندار هشتم و آخر نابود می‌شود (۱۷: ۱۶-۱۷)، درست پیش از آنکه خود این جاندار نابود شود (۱۷: ۹-۱۱). بدینسان، بخش ۶ آشکارا با بخش ۴ موازی است. مشخصه «بخش اصلی و طولانی»، تأثیر فاحشه بزرگ بر تاریخ دنیا است. سه بخش آخر کتاب مکاشفه، داوری خدا بر دشمنانش را در رویاهای مختلف به تصویر می‌کشد. درست همانگونه که بخش ۵ داوری خدا بر تمام مردمی را که جاندار را پرستش می‌کنند به تصویر می‌کشد؛ بخش ۶ نیز داوری الهی بر سه یار شیطان، و فاحشه بزرگ یعنی بابل، جاندار، و نبی دروغین را به تصویر می‌کشد، و بخش ۷ داوری الهی را بر شیطان به تصویر می‌کشد. این سه بخش «موازی» هستند، زیرا هر سه با جنگ نهایی حارمجدون خاتمه می‌یابند که «جنگ» نامیده شده (۱۶: ۱۴؛ ۱۹: ۱۹؛ و ۲۰: ۸). مشخصه «دوره بسیار کوتاه» جفا، آن جاندار است، اما در تجلی‌اش به‌عنوان پادشاه هشتم که همراه ده پادشاه دیگر، بر علیه مسیح و مسیحیان می‌جنگد (۱۷: ۱۰-۱۸). این دوره با این وقایع «خاتمه می‌یابد: سقوط بابل (فصل ۱۸)، جنگ بزرگ آخر که در آن، جاندار و نبی دروغین و پادشاهان خدانشناس و لشکریانشان نابود می‌شوند (۱۹: ۱۷-۲۱)، و بازگشت مسیح سوار بر اسب سفید برای داوری کردن (۱۹: ۱۱-۱۶).

نتیجه: مکاشفه ۱۹-۱۷ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد.

بخش هفتم کتاب مکاشفه متشکل از فصل‌های ۲۰ تا ۲۲ می‌باشد. ارتباط میان فصل‌های ۱۹ و ۲۰ مشابه ارتباط فصل‌های ۱۱ و ۱۲ است. کتاب مقدس خودش را به بهترین وجه تفسیر می‌کند. فصل ۱۱: ۸ روز داوری نهایی را به‌هنگام بازگشت مسیح اعلام می‌دارد، حال آنکه فصل ۱۲: ۵ ولادت و صعود و جلوس مسیح بر تخت را در دوره ظهورش به تصویر می‌کشد. به همین ترتیب، فصل ۱۹: ۱۹ پایان تاریخ را درست پیش از بازگشت مسیح ترسیم می‌کند، در حالیکه ۲۰: ۱ به آغاز دوره حاضر، به ظهور مسیح باز می‌گردد، یعنی آن زمان که مسیح شیطان را بست. مقایسه میان فصل‌های ۱۱-۱۴ از یک سو، و فصل ۲۰ از سوی دیگر، توازی میان آنها را روشنتر می‌سازد.

یک- دوره‌ای از زمان «آغاز می‌شود» که شیطان در آسمان شکست می‌خورد. به‌هنگام صعود مسیح و جلوس او بر تخت سلطنت، شیطان از آسمان بر زمین افکنده می‌شود. اما حتی بر روی زمین نیز او بسته و محدود است، طوری که نمی‌تواند زن را از میان ببرد (۱۲: ۵ تا ۱۳: ۱). این امر به‌روشنی همچون «شکست» تصویر شده، چرا که دهان ستمگر شیطان در مقام متهم‌کننده در آسمان بسته شد (۱۲: ۹-۱۰؛ یوحنا ۸: ۴۴) و بر زمین نیز در مقام قاتل مسیحیان بسته شد (۱۲: ۱۲، ۱۳ تا ۱۳: ۱؛ یوحنا ۸: ۴۴). مطابق فصل ۱۳: ۱، شیطان بر ساحل دریا ایستاده است، طوری که قدرتش بر ملت‌ها بسته شده و انجیل می‌تواند به همه ملت‌ها موعظه شود (۲۰: ۱-۳؛ متی ۱۲: ۲۹).

دو- «دوره اصلی و طولانی» عصر انجیل. فصل‌های ۱۱ تا ۱۳ کلیسای مبارز را بر زمین همچون دو شاهد به تصویر می‌کشد. کلیسا از دوره‌ای طولانی آکنده از قدرت و شهادت (۱۱: ۲-۶؛ متی ۲۴: ۱۴) و خارج از دسترس شیطان برخوردار است، یعنی اینکه نفوذ شیطان بر روی زمین بسته شده است (۱۲: ۱۴). فصل ۲۰: ۴-۶ به ترسیم کلیسای پیروزمند در آسمان می‌پردازد، یعنی اینکه مسیحیانی که قبلاً شهادت خود را بر روی زمین تکمیل کرده‌اند، اینک با مسیح در آسمان برای مدت نمادین ۱۰۰۰ سال، زندگی و سلطنت می‌کنند (۲۰: ۴-۶). آنچه که بسیار روشن است، این است که این ۱۰۰۰ سال به‌دنبال بازگشت مسیح و روز داوری نهایی نمی‌آید، بلکه پیش از آن.

سه- «دوره بسیار کوتاه» جفای سخت. فصل ۱۱: ۷-۱۰ و ۱۳: ۷ نشان می‌دهد که کلیسا شدیداً تحت جفا قرار دارد و شهادت دادنش خاموش شده است. فصل ۲۰ این امر را تحت عنوان آزاد شدن شیطان به تصویر کشیده؛ در این مدت او ملت‌های خدانشناس و شریر را بر علیه کلیسای مسیح رهبری می‌کند (۲۰: ۷-۱۰). این دوره کوتاه، «جنگ» توصیف شده (جنگ حارمجدون، ۱۶: ۱۶؛ متی ۲۴: ۲۱-۲۶).

چهار- «خاتمه» به‌هنگام بازگشت مسیح رخ می‌دهد. مطابق فصل ۱۱: ۱۵-۱۹، بلافاصله پس از این دوره کوتاه جفا، یگانه بازگشت مسیح برای داوری رخ می‌دهد (متی ۲۴: ۲۷-۳۱). فصل ۲۰ نیز روز داوری نهایی (متی ۲۵: ۳۱-۴۶) را بلافاصله پس از جنگ حارمجدون قرار می‌دهد (۲۰: ۱۱-۱۵).

به این ترتیب، این دوره با بسته شدن شیطان «آغاز می‌شود»، یعنی محدود شدن قدرت او (۲۰: ۱)؛ این اتفاق در دوره ظهور مسیح رخ داد (متی ۱۲: ۲۹؛ لوقا ۱۰: ۱۸؛ یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲؛ کولسیان ۲: ۱۵؛ عبرانیان ۲: ۱۴؛ اول یوحنا ۳: ۸). مشخصه

“دوره اصلی و طولانی” از یک سو ناتوانی شیطان در فریب ملت‌ها است (۲۰: ۱-۳)، و از سوی دیگر، سلطنت روح مسیحیان در آسمان است، البته آن دسته از مسیحیان که نشان جاندار را نپذیرفته‌اند. مدت دوره اصلی به‌طور نمادین ۱۰۰۰ سال است (۲۰: ۴-۷). مشخصه “دوره بسیار کوتاه” جفا، آزادی شیطان و جنگ بزرگ است که در آن شیطان و ملت‌های خدانشناس نابود خواهند شد (۲۰: ۷-۱۰). این دوره با توصیف روز داوری نهایی (۲۰: ۱۱-۱۵) و پس از آن، توصیف آسمان و زمین جدید (فصل‌های ۲۱ و ۲۲) “خاتمه می‌یابد”. پس این بخش تشکیل شده از دوره‌ای طولانی که طی آن قدرت شیطان بر روی زمین محدود می‌شود و در طول آن مسیحیان متوفی در آسمان با مسیح سلطنت می‌کنند؛ و پس از آن، دوره‌ای خواهد بود که طی آن، شیطان آزاد می‌شود و قدرت خود را ظاهر می‌کند و ملت‌های خدانشناس را می‌فریبد، و بلافاصله پس از آن، روز داوری نهایی ظاهر خواهد شد.

نتیجه: مکاشفه ۲۰ تمام دوره موجود میان ظهور مسیح و بازگشت او را در بر می‌گیرد. این نگرش که کتاب مکاشفه “تاریخ را از آغاز تا پایان، با ترتیبی متوالی توصیف می‌کند” با آنچه که خود کتاب مکاشفه می‌گوید در تناقض است. کتاب مکاشفه خودش نشان می‌دهد که شامل چندین بار تمام دوره عهدجدید از ظهور مسیح تا بازگشت او است. مطابق فصل ۱: ۱۹، کتاب مکاشفه شامل این موارد است:

اول- آنچه که قبلاً، از زمان ظهور مسیح تا زمان نگرش کتاب، به‌شکل واقعیت وجود داشته است؛

دوم- آنچه که در سراسر قرن‌های بعدی، در حد فاصل ظهور مسیح و بازگشت او رخ خواهد داد؛

و **سوم-** آنچه که درست پیش از بازگشت مسیح رخ خواهد داد.

بنابراین، کتاب مکاشفه کتابی “بود” برای تشویق مسیح در قرن اول و در تمام قرون پس از آن؛ و امروز نیز تشویقی “هست” برای مسیحیان روزگار ما؛ و تشویقی “خواهد بود” برای مسیحیان تا هنگام بازگشت مسیح. به همین دلیل است که فصل ۱: ۳ می‌فرماید که در سراسر قرون، هر که کتاب مکاشفه را بخواند یا بشنود و آنچه را که در آن نوشته شده بپذیرد، مبارک است.

تکلیف برای هفته آینده

اول- در طول هفته آینده، مکاشفه فصل‌های ۸ تا ۱۶ را بخوانید. هفته بعد، به معرفی کتاب مکاشفه خواهیم پرداخت.

دوم- کتابهای دستور عمل “بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی

www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم

سوم- هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه “دوره شاگردسازی از رادیو” گوش دهید.